

## متن پرسش

با سلام: چرا مطالب عمیق وحدت وجودی را در قرآن نمی توان بطور آشکار یافت شاید اوجش «هو الاول و الاخر» باشد که آن هم ظاهرا معصومین در روایات تفسیری بغیر از تفسیری که عرفا داده اند بیان کردند حقیر اندک آشنایی که با سخنان عرفا دارم بقرآن که مراجعه می کنم دچار یاس و سرخوردگی می شوم چه معارفی می توانست تبیین کند نکرد و پرداخت به مطالب حیض و جنسی و یا مثلا آیه دین بزرگترین آیه قرآن درین عصر چه گرهی می گشاید چرا باید عمرها صرف قرائتش شود با اینکه علم هزاران راهکار بهتر را فراهم کرده باری اگر خوب در قرآن دقیق شویم متوجه می شویم تلاشهای دکتر سروش در چه راستاییست باید قرآن را رویاهای رسول دانست والا با تناقضاتش چه کنیم؟ باید رسول را متأثر از فرهنگ زمانه اش دانست شما قرآن را با دیوان شمس مقایسه کنید مولوی چه شوری در عالم افکنده و ما را بسوی عشق ورزی با خدا رهنمون کرده این کجا و غل و زنجیر و حمیم و «کلما نضجت جلودهم» قرآن که متناسب همان فرهنگ عربهاست کجا؟ حتی لغت عشق هم در روایات (قرآن که هیچ) درست و حسابی نیامده باری بنظر می رسد از اسلام عرفان بدست نمی آید و این وصله پینه های عرفا ره بجایی نخواهد برد و قول صائب اینست چون جریانهای ادیان هندی سابقا در خراسان فعال بود عرفای مکتب خراسانی متأثر شدند و وارد اسلام کردند البته می دانید که نگاه روایات به اهل تصوف مثبت نیست از طرفی چرا باید بزرگان عرفان سنی باشند مگر شرط حقیقت ولایت نیست و همچنین ظاهرا تا قبل از سید حیدر راه شیعه از عرفا جداست پس لااقل شیعه با عرفان میانه ای ندارد شما یک روایت نشان دهید که از ان فنا فی الله یا فیض اقدس و مقدس و... بیرون بیاید بنابراین من تلاشهای دکتر سروش در حفظ اسلام با اینکه بنظرم بخوبی عمق فاجعه را متوجه شده است را وافی نمی دانم و حقیقت را جای دیگری باید یافت مراجعه به اوپانیشیدها و کتاب شریف گیتا مرا بدین نتیجه رساند دین برحق دین هندوست.

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: امثال حضرت امام و علامه‌ی طباطبایی راه دیگری را یافته‌اند و بنای جدال هم در میان ندارند. وقتی کسانی با نظر به اصل قرآنی همه‌ی عالم را محل حضور خداوند می‌یابند، جز وحدت شخصیه‌ی وجود برایشان معنا ندارد. زیرا بقیه‌ی مخلوقات، مظاهر انوار او هستند و نه موجوداتی در عرض وجود خدا. موفق باشید